

غوطه در تفریحات دخترانه

دهه هشتادی‌ها از رفتارهایی می‌گویند که مانع تفریح آن‌ها می‌شود

● محیا جعفری | فرقی نمی‌کند که شما دهه شصتی یا دهه هشتادی باشید، چون در هر مقطع سنی انسان‌ها به یک سری تفریحات علاقه‌مند هستند که دوست دارند تجربه کنند. اما شاید نتوانند و به بزرگ‌ترین حسرتشان تبدیل شود. به خصوص اگر در دوران نوجوانی و جوانی باشد! در این پرونده از دهه هشتادی‌ها دنبال همین موضوع رفته‌ایم: تفریحات دختران دهه هشتادی. قرارمان را با شش دختر دهه هشتادی گذاشتیم تا بیا بیندواز تفریحاتی که دارند، ندارند و دوست دارند داشته باشند صحبت کنیم. سه نفرشان آمدند و سه نفر دیگر نیامدند. ما با آن‌هایی که آمدند به گفت‌وگو نشستیم و از علایق و سلایق تفریحاتی آنان نوشته‌ایم.

● تفریح با اجازه بزرگترها!

نفیسه رحمتی، یک دختر شانزده ساله با ذوق هنری زیاد است که در این مقطع، تفریح را در کافی شاپ رفتن می‌بیند. فضای کافی شاپ به نفیسه حس خوبی از جنس‌رهایی می‌دهد، حتی تنهایی رفتنش هم برایش لذت بخش است. اما وقتی با دوستانش می‌رود، نوشیدنی‌های مورد علاقه‌شان که حتما داخلش قهوه و شکلات باشد، سفارش می‌دهند. خودش می‌گوید: «حسابی حال می‌دهد». البته باید اضافه کرد که روند اجازه گرفتن از والدینشان خیلی سخت است! در این‌طور مواقع والدینشان می‌گویند: «برای خودت برنامه‌نگذار، هر وقت که صلاح بدانی بروم می‌گویم». اما معمولاً فراموش می‌کنند که خبر بدهند و او باید مدام یادآوری کند که: «مامان یا بابا، روز پنجشنبه می‌توانم با دوستانم به کافه بروم یا نه؟» انسیه بلوکی، دختری پانزده ساله‌ای با چهره‌ای آرام و مهربان، می‌گوید: «من در گرفتن اجازه از پدر و مادرم مشکلی ندارم.

زیرا از کلاس هشتم به بعد، والدینم آزادی بیشتری به من دادند. البته شخصیت من هم تغییر کرده و مذهبی‌تر شده‌ام. مادرم با من برای بیرون رفتن هماهنگ است زیرا پدرم نسبت به مادرم سخت‌گیرتر است و برای او مهم است که کجایم و روم و با چه کسی هستم. اما اگر پدرم نخواهد که من بیرون بروم، فقط می‌گوید «نه» و به هیچ طریقی دیگر راضی نمی‌شود! ستایش احمدی که شانزده سال دارد معتقد است که تفریحاتمان باید به گونه‌ای باشد که کمک کند سبک زندگی بهتری داشته باشیم و در ادامه می‌گوید: «من خودم خیلی کتاب خواندن یا تنهایی قدم زدن را ترجیح می‌دهم چون فکر می‌کنم یک نوع تفریح خوب برای من است، البته کمتر پیش می‌آید که با خودم تنها باشم.»

● تفریح با خانواده یا دوستان!

اینکه با چه کسی به تفریح می‌روید هم مهم است شاید همه فکر کنند نوجوانان در این سن فقط انتخابشان دوستانشان

باشد، اما ستایش پاسخ این سؤال را متفاوت جواب می‌دهد و می‌گوید: «اول از همه بستگی دارد کجا می‌خواهم بروم، اما تفریح کردن با خانواده را دوست دارم و صمیمیت جمع خانواده را به دوستانم ترجیح می‌دهم. تا به حال با پدرم به صورت پدر و دختری و با خاله‌ام دونفره به کافی شاپ رفته‌ام. سخت‌گیری مادرم برای بیرون رفتن من با دوستانم بیشتر است ولی پدرم برای بیرون رفتن با دوستانم پایه‌تر است.» انسیه هم می‌گوید: «من کافی شاپ رفتن را هم با مادرم و هم با دوستانم انتخاب می‌کنم و نمی‌توانم یکی را انتخاب کنم چون در هر دو حالت به من خیلی خوش می‌گذرد.»

● تفریح و حسرت‌های دخترانه

حسرت تفریح خاصی را دارید؟ این سؤال است که از آن‌ها می‌پرسم. نفیسه، انسیه و ستایش می‌گویند: «خیلی دوست داریم مانند دوستانمان مسافرت دوستانه تنها و بدون خانواده برویم.» انسیه می‌گوید: «در کنار مسافرت تنها رفتن، خیلی

تفریح
هزینه
می‌خواهد!

قطعاً برای تفریح کردن باید هزینه کرد. اما نوجوانان معمولاً در این ماه به عنوان ماهانه یا حتی هفتگی بگیرند. نفیسه و ستایش ماهانه ندارند، اما انسیه هر ماه پدرش مبلغی را به عنوان ماهانه به حسابش واریز می‌کند، ولی نمی‌تواند زیاد از آن برای تفریح استفاده کند چون پیامک برداشت از حساب برای پدرش می‌رود! نفیسه هم می‌گوید: «اگر نیاز نداشته باشم خوراکی نمی‌خرم تا بتوانم آن پول را برای کافه رفتن هزینه کنم.» هر سه نفر می‌گویند که در واقع هزینه جداگانه‌ای از نفیسه می‌پرسم اگر پول بیشتری داشته باشی به غیر از کافه رفتن چه کاری انجام می‌دهی؟ می‌گوید: «برای خودم گل‌رز یا بونونه می‌خرم چون قطعاً پدرم هزینه‌اش را می‌دهد. اما اگر این پول را برای تفریح بخواهم قطعاً نمی‌دهند!»

